



زن در ایران نو

واکاوی مسائل اجتماعی زنان
در روزنامه ایران نو ۱۲۹۰-۱۲۸۸ شمسی

علی باغدار دلگشا



زن در ایران نو

واکاوی مسائل اجتماعی زنان

در روزنامه ایران نو ۱۲۹۰-۱۲۸۸ شمسی

علی باغدار دلگشا

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

زن در ایران نو

علی باغدار دلگشا

(دکتری تاریخ / گرایش ایران اسلامی)

طراح جلد: بهزاد خورشیدی

صفحه آرا: سپیده یزدی زاده

نوبت چاپ و تاریخ: اول ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

سرشناسه: باغدار دلگشا، علی، ۱۳۷۰ -

عنوان و نام پدیدآور: زن در ایران نو: واکاوی مسائل اجتماعی زنان در روزنامه ایران نو ۱۳۹۰

- ۱۳۸۸ شمسی / علی باغدار دلگشا

مشخصات نشر: تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۱۶۶ ص

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

رده‌بندی کنگره: HQ ۱۷۳۵/۲

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵ / ۴۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۵۹۸۸۵

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

آدرس: تهران، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی، میدان فرهنگ، خیابان سی‌وسوم، نبش

خیابان آماج، پلاک ۲۱، طبقه همکف واحد ۳

تلفن: دفتر انتشارات ۸۸۷۲۳۹۳۶ - ۸۸۷۲۲۶۶۵ - ۸۸۷۱۶۳۹۱ دفترپخش: ۶۶۹۷۰۱۳۶

پست الکترونیک: roshangaran68@gmail.com

مراکز پخش و فروش: ۱- سایت انتشارات: www.roshangaran-pub.ir

۲- بخش ققنوس: تلفن ۴۳ الی ۶۶۴۰۸۶۴۰

۳- بخش گسترش: تلفن ۷۷۳۵۰۹۷۰

۴- کلیه کتابفروشی‌های سراسر کشور

شابک: ۹۷۸-۹۶۶۴-۱۹۴-۱۷۶-۷

978-964-194-176-7

فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷

فصل اول

ایران‌نویین در «ایران‌نو».....	۲۱
--------------------------------	----

فصل دوم

مسائل اجتماعی زنان در مکتوبات زن‌نگار.....	۳۱
(۱) مکتوبات حقوق طلبانهٔ نسوان.....	۳۹
(۲) خطابه‌گویی در مدارس نسوان.....	۵۰
(۳) مکتوبات شهریِ نسوان.....	۵۶

فصل سوم

مسائل اجتماعی زنان در مکتوبات مرد‌نگار.....	۷۱
(۱) مکتوبات مرد‌نگار.....	۷۱

۸۸	 (۲) زن در ستون اخبار داخله و خارجه «ایران‌نو»
۹۲	 (۳) زن در ستون داستانِ «ایران‌نو»
۹۷	 نتیجه‌گیری
۱۰۳	 ضمیمه
۱۰۳	 نمونه‌هایی از مکتوبات
۱۰۳	 نسوان ایران و ژاپون
۱۱۴	 دائر به تربیت نسوان
۱۱۷	 مکتوبات طایره
۱۵۷	 منابع

پیشگفتار

کتاب «زن در ایران نو» به بررسی مقالات مندرج در روزنامه «ایران نو» در صد سال پیش می‌پردازد.

نخست نشان می‌دهد که زنان در آن زمان به این نتیجه رسیده بودند که انقلاب مشروطه که منادی آزادی شده بود برای تداوم آن آزادی نیاز به حذف نابرابری‌ها دارد. زنان مقالات متعددی در مورد حذف نابرابری‌های جنسیتی، قومی و طبقاتی نوشته‌اند؛ آنها به این نتیجه رسیده بودند که حق گرفتنی است و نه دادنی. با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان، زنان اولین قدم برای به دست آوردن حقوق انسانی را، آموزش یعنی افزایش دانش همه زنان به منظور بهبود شرایط اجتماعی می‌دانستند و تعجبی نیست که نخست به فریضه بودن دانش برای زن و مرد مسلمان می‌پردازند و علی‌رغم تعدد نقش زنان نخست به نقش مادری توجه می‌شود و بسیار تأکید می‌کنند که این موهبت الهی به برکت آموزش بهبود می‌یابد. اما تفاوت نگرش زنان و مردان در روشنفکر در آن عصر شایان توجه است. توجه اندک مردان در مقالات خود در این روزنامه نشان می‌دهد که جامعه مردان حاضر به تقسیم قدرت نیست و در تحلیل‌های خود کمتر از زنان به عنوان انسان‌هایی که باید از حقوق مدنی برخوردار شوند نام می‌برند.

دوم آن که آقای علی باغدار دلگشا سعی کرده است بینش تاریخی

خود را مجهز به بینش جامعه‌شناختی نماید و این ویژگی این نویسنده فرزانه است. کتاب «زن در ایران نو» کتابی صرفاً تاریخی نیست که به آن چه مُرده است توجه دارد بلکه خواندن آن برای راهیان علم، جوانان اعم از زن و مرد می‌تواند راهگشای آینده باشد.

دکتر هما زنجانی‌زاده

مقدمه

آشنایی با «فرنگ» و نگرش «به خیال فرنگ» بودن نقشی محوری در شکل‌گیری تلاش برای ایجاد تغییرات در ایران دوره قاجار داشته است؛ از شکل‌گیری اندیشه مشروطه‌خواهی که بیشتر خود را در ساختار سیاسی ظاهر کرده است تا تلاش برای تغییرات اجتماعی که در ساختار «حقوق مدنی» و «تساوی همه افراد ملت با هم» شکل گرفت. مطبوعات فارسی زبان برون مرزی (منتشر شده در خارج از ایران) نیز در انتقال چنین آگاهی نقش محوری داشتند. روزنامه ترکستان که از آن به عنوان نخستین روزنامه فارسی زبان منتشر شده در عثمانی ذکر نام می‌شود در نخستین شماره خود در سال ۱۲۸۱ قمری از اصطلاحاتی نوین در ساختار سیاسی استفاده کرد، اصطلاحاتی چون «جمعیت عموم»، «انسان مدنی»، «مدنیت» و «امور اتفاقیه جمهور» (عبدالجبار، ۱۲۸۱ قمری: ۱). روزنامه «قانون» به قلم میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله و منتشر شده در لندن نیز برای نخست بار از دو نگرش جدید در سیر روزنامه‌نگاری و ارتباط آن با مسئله تغییرات اجتماعی در ایران استفاده کرد: الف) برای اولین بار به استفاده زبانی از اصطلاح «زن» برای معرفی «نسوان و مخدرات وطنی» پرداخت و نقش برجسته آنان در رواج «آدمیت» را تشریح

کرد ب) با نگرشی انتقادی در مثنی سیاسی برای اولین بار از روش مکالمات خیالی (گفتگوهای شبه داستانی با محوریت مسائل سیاسی) استفاده کرد و پیش درآمد اندیشه «ولایت اعظم»، برپایی «گروه حزب الله» و بهره‌گیری از شعار «الله اکبر» برای مبارزه سیاسی در گفتمان‌های دوره ناصرالدین شاه را به بحث گذاشت (ناطق، ۱۹۸۸ م: ۷۲-۱۰۲). دیگر جراید این دوره مانند اختر چاپ اسلامبول در عثمانی و حبل‌المتین چاپ کلکته در هند نیز نقشی مهم در آشنایی ایرانیان از تحولات سیاسی کشورهای اروپایی و تحولات نوین سیاسی داشتند. اختر تشریح «مناسبات ملل عظیمه شرقستان» را سرلوحه کار خود قرار داد و در تلاش برای رسیدن به «اسباب پیشرفت هرگونه اتحادات مطلوبه و ترقیات صوریه و معنویه» برای «مشرق زمین» بود. اختر را نخستین و تنها جریده فارسی زبانی می‌توان معرفی کرد که تا پیش از انتشار روزنامه قانون در لندن، به نقد ساختار قدرت سیاسی در ایران می‌پرداخت و از تفکیک قوا و «نفی قدرت مطلقه» سخن می‌گفت. حبل‌المتین نیز که تجربه انتشار نخستین شمارگان خود در هند را در سال‌های انتهایی حیات ناصرالدین شاه به دست می‌آورد با پردازشی اسلامی، مروج «اتحاد اسلام» شد، از «حقوق عمومیه» صحبت کرد، به تشریح و لزوم «تربیت‌نو» و «تعلیمات جدیده» برای «بنات و بنین مسلمین» پرداخت و در برخی از مقالات خود به تحلیل ساختارهای «حکومت مشروطه» پرداخت.

در کنار مطبوعات فارسی زبان برون مرزی، جراید منتشر شده در داخل ایران نیز پس از صدور فرمان «عدالت‌خانه» موسوم به فرمان مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی اول به طرح دیدگاه‌های مشابه در جراید برون مرزی پرداختند. در مطبوعات متعدد، موضوعات متنوعی به نگارش درآمد، «صوراسرافیل» به تشریح اهمیت «کنستی توسیون» (مشروطه) در ایران پرداخت و در مقاله «ملت و دربار» در پی فراهم کردن شرایطی بود تا پای «ملت» را به «امور پلتیکی» باز

سازد. «صبح صادق» در مقاله «وطن پرست غیرتمند محترم من» از «وطن پرستی» و «حمیت ایرانیان» نوشت: «وطن دوستی و ملت پرستی که تخم تازه نیست که از اروپا و آمریکا آورده باشند». «کشکول» با قلمی انتقادی و نگاهی طنزآمیز ضمن نقد ساختارهای عرفی از مفهوم «مادر وطن» و وظیفه تمامی افراد ملت در برابر او و «سلطنت مشروطه ایران» سخن گفت. مجله «استبداد» نیز با رویکردی فکاهی و خطاب قرار دادن «خلق ایران» به نقد ساختارهای سیاسی پرداخته است (باغدار دلگشا، ۲۰۱۷: ۲۱-۱۳؛ قیصری، ۱۳۸۶: ۳۵۴-۳۳۳؛ Gheisari, 2005: 360-376).^۱

«گلستان» مبحث لزوم «تشکیل مدارس جدید» را ادامه داد. «شرافت» با بهره‌گیری از روش سوال و جواب‌های داستانی به معرفی «استبداد» پرداخت و تداوم موضوع برابری تمامی انسان‌ها را با صراحت و قاطعیت در گفتمان‌های دوره مشروطه ادامه داد: «تمامی نوع بشر مساوی خلق شده و بنابراین هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند». «شمس» دو گانه ترقی کردن و «واتر قیدن» را به بحث گذاشت و از این موضوع که «اروپا ترقی کرده» و ایرانیان «واتر قیده» اند صحبت کرد. «مساوات» با پردازشی شیعی از مظلومیت ایران، «روضه وطن»، افتادن «تخم مردانگی» و بی‌مسئولیتی مردان در دفاع از مشروطه سخن گفت و با رویکرد رادیکالی به نقد سلطنت و شاه قاجار پرداخت. «تمدن» از «تمدن وطن عزیز» سخن گفت، در داستان‌هایی زنجیره‌ای

۱- نمونه بارز این نقد را در مکالمه «ندای طفل مشروطه» می‌توان مشاهده کرد؛ مکالمه‌ای میان طفل چهارده‌ماهه‌ای به نام مشروطه با ایرانیان به عنوان «ابناء وطنم. در این مکالمه، «طفل مشروطه» خود را فرزند «عدالت‌الدوله» و «ایران الملوک» معرفی کرده است، برای ایرانیان از مظلومیتش گفته و به معرفی الگوهای مشروطه‌خواهی در انگلیس، ژاپن، روسیه، هند، عثمانی و چین پرداخته است. این مکالمه دارای ساختاری جنسیت‌گرا با محوریت مردمداری نیز می‌باشد. شمارگان این نشریه نیز به اهتمام علی قیصری در سال ۱۳۹۸ تحت کتابی با عنوان مجله استبداد: نشریات ایران در عصر مشروطه بازنشر شده است؛ همچنین متن مکالمه «ندای طفل مشروطه» نیز در کتاب مکتوبات خیالی: اسنادی از گفتمان سیاسی عصر مشروطه (لس آجلس، ۲۰۱۷/ تهران، ۱۳۹۷) انتشار یافته است.

مانند «حمام جنیان» ایستادگی سنت‌گرایان در برابر بدیهی‌ترین امور مانند مدرسه و حمام را به تصویر و نقد کشید، از اقدامات فضل‌الله‌نوری و دیگر مخالفان مشروطه پرده برداشت و در شرح مظلومیت ایران اشاره کرد: «امروز سیدالشهدا مصائب خود را کنار گذارده از پریشانی ما [ایرانیان] در ماتم است». «ندای وطن» در «گفتگوی منوچهر با فریدون در یکی از قهوه‌خانه‌های پاریس» مفاهیمی چون «انصاف و عدالت»، «میزان عدل»، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اهمیت افزایش دانش سیاسی و در برخی سرمقالات خود اندیشه «دولت مشروطه اسلامی ایران»^۱ را به بحث گذاشت و «حقایق»، «روزگار باستان» را جامه «ایام آزادی» پوشاند و «مرغ استبداد» را مغلوب «شیر آزادی» دانست. این جراید و مطالب مندرج در آنها محوری‌ترین نقش را در تغییر نگرش ایرانیان داشتند. مطبوعات، علاوه بر تحول در نگرش سیاسی، در امور ادبی، اجتماعی و فرهنگی نیز تحولاتی اساسی را به وجود آورده‌اند؛ مقالات مندرج در این جراید نشان می‌دهد که نخستین داستان‌های کوتاه نوشته شده توسط زنان و مردان (باغدار دلگشا و دیگران، ۲۰۱۸؛ چراغی، ۱۳۸۰؛ کوهستانی‌نژاد، ۱۳۹۶)^۲، نخستین شعرهای نو، اولین اطلاعات تاریخی از

۱- نگرشی که میرزا ملکم‌خان برای نخستین بار در قالب تشکیل یک «حکومت اسلامی» با رهبری آیت‌الله میرزای شیرازی، یک دهه پیش از مشروطه به طرح بحث آن پرداخت، در دوران مشروطه در برخی جراید مانند ندای وطن در راستای تحقق «دولت مشروطه اسلامی ایران» (ندای وطن، ۱۳۲۵ق، سال ۲، شماره ۱۵۶: ۱) تداوم یافت. «مشروطه اسلامی ایران» که پس از تداوم بحث آن در سال ۱۲۸۵ شمسی در دوره قاجار، در دهه سی شمسی در دوره پهلوی دوم توسط افرادی چون علی شریعتی در مقالات مندرج در روزنامه خراسان نیز طرح بحث مجدد شد، شریعتی در این مقالات برای نخستین بار شعار «نه شرقی نه غربی بل اسلامی» را مطرح کرد، طرح بحثی که در سال ۱۳۵۷ ابتدا در قالب «حکومت اسلامی» و پس از آن به عنوان «جمهوری اسلامی ایران» در قالب یک حاکمیت دینی ظاهر شد.

۲- جهت آشنایی با نخستین داستان‌نگاری‌های زنان رجوع شود به کتاب نسوان‌نامه: نقد ساختارهای اجتماعی در داستان نویسی زنان ایرانی ۱۳۱۱-۱۲۸۹ش.

دوران باستان و بسیار مطالب دیگر نخست در این جراید منتشر شده است.

بحث در خصوص مسائل زنان نیز برای نخستین بار در همین جراید مطرح شد. مطبوعات فارسی زبان برون مرزی به دلیل آشنایی‌های اولیه با تحولات زنان در «دول خارجه» به شرح گزارش‌هایی از اقدامات زنان کشورهای عثمانی، ژاپن، مصر، انگلیس و فرانسه پرداختند و پس از آن برخی قوانین مربوط به حقوق زنان مانند حق آموزش را تشریح کردند؛ برای نمونه نشریه «قانون» منتشر شده در لندن در همان زمانی که زنان انگلیسی به دنبال طرح مسأله حقوق سیاسی با محوریت حق رأی، اعتراض‌هایی مدنی را در لندن برپا می‌کردند، از مسائل زنان و نقش آنان در توسعه آدمیت سخن به میان آورد. نشریه «اختر» چاپ اسلامبول و «حبل‌المتین» چاپ کلکته در شمارگان خود در دوره ناصری با اطلاع از تصویب قوانین مرتبط با الزام آموزش برای زنان در عثمانی و مصر به ترویج این دیدگاه پرداختند که زنان نیز به دلیل نقش تربیتی و مادری که دارند، برای آن که بتوانند «اولاد صالح» پرورش دهند باید به کسب علم و تحصیل بپردازند و دولت ایران نیز نسبت به ایجاد مدارس برای دختران باید اهتمام بورزد. نشریه «حکمت» منتشر شده در مصر نیز با درج اخبار فعالیت‌های حق طلبانه زنان مصری در حوزه انجمن‌های زنان، شرح روزنامه‌نگاری آنان و فعالیتشان در انتشار مطبوعات زن‌نگار مانند الفتاه^۱ و همچنین موضوع تحقق آموزش آنان نقشی مهم در ایجاد

۱- الفتاه، نخستین نشریه زنان عرب بود که در مصر انتشار می‌یافت. این نشریه در سال ۱۳۱۰ ق هم زمان با دوره تاریخی ناصرالدین شاه قاجار در ایران، فعالیت خود را در اسکندریه آغاز کرد. مدیریت آن را هند نوفل برعهده داشت. بخش عمده‌ای از نشریات تخصصی زنان مانند الفردوس، انس الجلیس، العائله، الهوانم و الزهره، الريحانه که پس از انتشار الفتاه فعالیت خود را در مصر آغاز کردند، در بسیاری جهات از این نشریه الگو می‌گرفتند. تمایزی که این نشریه با نخستین‌های نشریات زنان منتشر شد در ایران با نام

این آگاهی در ایران دوره قاجار داشته است.

پرداختن به مسائل زنان در نشریات فارسی زبان برون مرزی زمینه‌هایی را فراهم ساخت تا هم زمان با انتشار جراید مشروطه‌طلب و در سال‌های ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش به بعد نشریات فارسی زبان درون مرزی نیز نسبت به توجه مسائل زنان از خود دغدغه نشان دهند. در این میان برخی نشریات مانند صوراسرافیل، مساوات، ایران‌نو، تمدن، ندای وطن، مجلس، حبل‌المتین (چاپ تهران) و خورشید علاوه بر انتشار برخی مکتوبات زنان به مسائل مربوط به زنان از نگاه خودشان نیز می‌پرداختند (صوراسرافیل، ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۸-۷؛ مجلس، ۱۳۲۴ق، سال ۱، شماره ۶؛ ندای وطن، ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۷۰؛ شرق، ۱۳۲۸ق، سال ۹، شماره ۷۹؛ شمس، ۱۳۲۶ق، سال ۱، شماره ۲؛ طوس، ۱۳۲۸ق، سال ۱، شماره ۲۹). بیشتر موضوعاتی که به قلم اعضاء هیئت تحریریه‌های این جراید غیرزن‌نگار در ارتباط با مسائل زنان به نگارش درآمده‌اند مرتبط با موضوع نقش‌آفرینی زنان در دفاع از مشروطه هستند. در مکتوبی از طرف انجمن ملی تبریز خطاب به «وکلاهی آذربایجان در مجلس شورای ملی اول» در این خصوص آمده است: «طایفه نسوان با بچه‌های شیرخواره در مساجد محلات مجتمع شده و قانون اساسی [مشروطه] را می‌خواستند» (انجمن ملی تبریز، ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۸۷: ۲). همچنین دیگر گزارش‌های متعدد با موضوع حضور زنان در جامعه جهت دفاع از مشروطه در ستون اخبار شهری مطبوعات متعدد این دوره، درج تصویر زنان در نشریاتی چون آیین غیب‌نما که در کنار مردان در حال مبارزه با «استبداد» هستند همگی نمونه‌هایی از توجه این جراید به محور نقش‌آفرینی زنان است.

دانش، در افغانستان با نام ارشاد النسوان و در عراق با نام لیلی داشت در این بود که الفتاه با شجاعتی مثال زدنی وارد مناقشات سیاسی می‌شد، رویکرد سنت‌شکانه بیشتری داشت و با جسارت بیشتری ساختاری‌های جنسیت زده جامعه خود را نقد و نفی می‌کرد.

زمان و زبان مشروطه، زمانه جدال، رویارویی و آمیختگی صحیح و ناصحیح نگرش‌ها و بینش‌های متعدد و متفاوت در کنار یکدیگر می‌باشد؛ زبان اجتماعی آن نیز، زبان هویت، زبان نوگرایی، زبان استقلال نقش‌ها، زبان تغییرات اجتماعی و زبان نقد ساختارهای عرفی است. در این سیر تغییرگرایانه، زنان نیز به مکتوب‌نگاری پرداختند، مکتوباتی برای طرح مطالبات اجتماعی «جنس نسوان». آنان برای اثبات نقش‌های اجتماعی و کارآمدی‌شان از موضوعاتی چون: «حقوق حقه نسوان»، «عضوی از اعضاء ملت» بودن زنان، لزوم «علم آموزی» برای «تعلیم و تربیت اولاد» (برابر با مادری کردن) و نقش زنان در «ترقی و تنزل» جامعه سخن گفتند.

زنان در مکتوبات خود موضوعات متعدد چون «ضعیفه» پنداشتن زنان و نابرابری‌های جنسیتی را به چالش کشیدند، گاه مستقیم و گاه غیر مستقیم (باغدار دلگشا و زنجانی‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۳۴-۴۱۵). در روش مستقیم از «برادران وطنی و ایمانی» خود پرسیدند «دلیل آن که برادران وطنی و ایمانی [،] ما طایفه نسوان که جزء اساس ترقی هستیم را با صفاتی چون «ضعیفه» می‌شناسند و با ما چون بردگان رفتار دارند چیست؟»

۱- از «مشروطه اسلامی ایران» که جرایدی چون ندای وطن به آن پرداختند تا «مشروطه ایرانی» که ثقه الاسلام تبریزی در رساله لالان به آن پرداخت و از این نگرش که «مشروطیت» و «اسلامیت» هیچ ترادفی با یکدیگر ندارند، راهشان کاملاً از یکدیگر جداست و نادرستی آمیختگی امری ناسوتی / زمینی با نام دموکراسی که نظر مردم در آن ملاک است با امری لاهوتی / آسمانی که با دیانت سر و کار دارد و مردم در آن «عوام کالانعام» اند؛ تنها میرزا فتحعلی آخوندزاده و شیخ فضل الله نوری بودند که چنین امری را با دقت و زیرکی تشخیص دادند، میرزا فتحعلی آخوندزاده مروج پذیرش نظام مشروطه بود و شیخ نوری نیز مروج حذف مشروطه و پذیرش اسلامیت؛ عده‌ای دیگر مانند کاظم خراسانی، حسین نائینی، عبدالله مازندرانی، ملک‌خان ناظم الدوله و یوسف مستشارالدوله نیز طرفدار آمیختگی این و آن (مشروطیت و اسلامیت) با یکدیگر بودند. حتی عده‌ای بر آن نظر آمدند که غربیان نیز دموکراسی خود را از کتاب قرآن مسلمانان استخراج کرده‌اند و گروهی دیگر شاهد مثال آوردند که بندهای مختلف قانون اساسی فرانسه از آیات قرآن مستخرج شده است؛ آنان در قرآن نیز به دنبال مشروطه و دموکراسی بودند.

در روش غیر مستقیم نیز به جایگزینی واژهٔ نسوان و مخدرات به جای «ضعیفه»، «ذلیل»، «عورتینه» و «عورات» در مکتوبات خود روی آوردند.

زنان به بازنگری و تلاش برای تغییر نقش‌های جنسیت‌زده نیز روی آوردند، پس از عریضه‌نویسی و مکتوب‌نگاری، از زبان شعر (باغدار دلگشا و پوراکبر، ۲۰۱۸؛ باغداردلگشا و زنجانی‌زاده، ۱۳۹۷) و داستان^۱ نیز برای نقد ساختارهای اجتماعی استفاده کردند. در کنار سخن گفتن از «جنس نسوان» از «زنیت» و لزوم «خواهری» و اتحاد جمعی زنان نوشتند و صحبت کردند. از نقش مادری نیز بهره‌جستند تا «تربیت اولاد» را دلیلی بر طرح برخی مطالباتشان مانند «حق تحصیل» معرفی کنند. آنان «مجرمه» پنداشتن زنان از «گذشتهٔ تاریخی» تا «حال امروز» را نقد کردند. در تلاش برآمدند تا با مبارزه‌ای ساختارمند و اصلاحات ادواری، باور اجتماعی فرو دست بودن نسوان را با آوردن شاهد مثال‌های تاریخی، ادبی و دینی مانند حضور دختران خسروپرویز به عنوان پادشاه در دربار «سلاطین ساسانی» و حضور فعال زنانی چون خدیجه، فاطمه، زینب و «جناب سکینه» بدل به نگرش نقش‌آفرینانهٔ زنان و «برابری» کنند. «تعلیم نسوان» را «اساس ترقی جامعه» دانستند

۱ - بهره‌گیری از زبان داستان نیز دیگر روشی بود که زنان برای طرح مسائل اجتماعی خود از آن استفاده کردند. نخستین داستان زن‌نگار این دوره به قلم صدیقهٔ دولت‌آبادی با عنوان «داستان رقت انگیز» در سال ۱۲۹۹ شمسی در پاورقی‌های روزنامهٔ زبان‌زنان منتشر شده است. در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۹۹ تا اواسط دورهٔ رضاشاه نیز زنان داستان‌های کوتاهی با عنوان‌های: «مکالمات دخترک صدیق: از حیات تا مرگ»، «خاطرات یا خرافات برای یک دخترک بدبخت»، «مکالمهٔ دو نفر شاگرد مدرسه: پریوش و مهرآسا»، «ازدواج اجباری»، «پروین و سرنوشت اجباری‌اش»، «ازدواج هما و هوشنگ»، «نالهٔ یک زنی»، «سرگذشت یک زن» و بسیار موارد دیگر را به نگارش درآوردند. موضوع تمامی این داستان‌ها نقد ساختارهای اجتماعی است: نقد ازدواج اجباری، نقد ازدواج زودهنگام زنان (کودک همسری)، نقد تعدد زوجات و بررسی حقوق زنان در امر ازدواج و خانواده. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتاب نسوان‌نامه: نقد ساختارهای اجتماعی در داستان‌نویسی زنان ایرانی ۱۲۸۹-۱۳۱۱.

و «اوضاع حالیه نسوان» در هر مملکتی را معیار سنجش سطح «ترقی یا تنزل» آن اجتماع. از ضمیر اتحاد بخش «ما» نیز برای همبستگی «خواهران» استفاده کردند؛ نهایت آن که متوجه شدند هر کسی خود باید حقش را طلب کند، «حق» و «آزادی» چیزی نیست که خودش بیاید یا دیگران بیاورندش. در میان مطبوعات متعدد این دوره دو روزنامه ایران‌نو چاپ تهران و حبل‌المتین چاپ کلکته توجه و اهمتامی متفاوت و ساختارمندتری نسبت به دیگر جراید هم عصر خود نسبت به مسائل زنان داشتند.

تنظیم اولیه طرح پژوهشی با عنوان «زن در ایران‌نو» نیز اول بار پس از انتشار کتاب نامه‌های زنان ایرانی (باغداردلگشا، ۱۳۹۵/الف: ۱۹۵-۱) در ذهنم شکل گرفت، انجام تحقیقی با محوریت واکاوی مسائل زنان در روزنامه ایران‌نو، مسائلی که خواه خود زنان به طرح آن پرداخته‌اند یا آن که توسط مردان به بحث گذاشته شده است. طرح بحث علمی آن نیز نخست بار در نیم سال اول تحصیلی سال ۹۶-۹۷ طی چند جلسه کلاسی با عنوان «مسائل اجتماعی زنان در روزنامه ایران‌نو» در درس «احزاب و مطبوعات ایران در دوره قاجار» در دانشگاه فردوسی مشهد ارائه شد که نتیجه نهایی‌اش نیز کتاب پیش‌رو است. منبع‌شناسی اصلی این پژوهش عبارت است از برشماری کامل و غیر گزینشی ۴۷۵ شماره موجود از روزنامه ایران‌نو شامل ۲۴۴ شماره منتشر شده از ۷ شعبان ۱۳۲۷ق تا ۲ رجب ۱۳۲۸ق، ۱۲۰ شماره منتشر شده از شوال ۱۳۲۸ق تا ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ق و ۱۱۱ شماره منتشر شده از ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ق تا ۲۷ شعبان ۱۳۲۹ق. نخستین هدف از بررسی شمارگان روزنامه ایران‌نو، استخراج مکتوبات مردنگار با محوریت موضوعی مسائل اجتماعی زنان بود؛ با توجه به انتشار کتابی با عنوان نامه‌های زنان ایرانی در سال ۱۳۹۵ توسط نگارنده این سطور و درج تمامی مکتوبات زن‌نگار مندرج در روزنامه ایران‌نو در آن، جهت دقت بیشتر و تطبیق و تعیین صحت اطلاعات

مندرج در آن کتاب، تمامی اوراق مطبوعاتی این روزنامه مورد خوانش مجدد و بازبینی قرار گرفتند. علاوه بر این صرفاً جهت آگاهی و تطبیق برخی دیدگاه‌های مندرج در مکتوبات مردنگار در روزنامه‌های دیگر در یک جدول زمانی شش ماهه از فروردین تا شهریور ماه ۱۳۹۸، شمارگان جراید قانون (باغداردلگشا، ۲۰۱۹: ۶۸-۶۵)، اختر، تجدد^۱، حبل‌المتین نیز مورد برشماری و خوانش غیر گزینشی قرار گرفتند. جهت آشنایی بیشتر با دیگر مکتوبات زنان، مندرج در برخی جراید دوره مشروطه مانند: روزنامه مجلس، تمدن، حکمت، خورشید، شرق، صوراسرافیل، مساوات و ندای وطن نمونه‌های متعدد این مکتوبات، از متن بازخوانی شده آنها مندرج در بخش دوم کتاب مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی (باغداردلگشا، ۱۳۹۷) با عنوان: نامه‌های انتقادی زنان علیه نابرابری‌های اجتماعی و بخش پیوست‌ها و یادداشت‌های کتاب زنان پیشگام ایرانی: خدیجه افضل وزیری دختر بی‌بی‌خانم استرآبادی (ملاح، ۱۳۸۵) استفاده شده است.

در خصوص پیشینه‌های تحقیقاتی پژوهش حاضر نیز باید اشاره داشت تا کنون پژوهشی که به صورت کامل به بررسی مسائل اجتماعی زنان در روزنامه ایران‌نو پرداخته باشد، تدوین نشده است؛ پژوهشی که علاوه بر بررسی مسائل اجتماعی زنان در مکتوبات زن‌نگار به بررسی نوع نگاه مردان به مسائل اجتماعی زنان با بهره‌گیری از مدل برشماری کامل و روش غیر گزینشی نیز پرداخته باشد؛ با این حال در برخی تحقیقات به صورت گزینشی و یا مدل نمونه‌گیری به بررسی برخی مسائل اجتماعی زنان در برخی مقالات مندرج در روزنامه ایران‌نو پرداخته شده است. در کتاب زن ایرانی در نشریات مشروطه (وطن دوست و دیگران، ۱۳۸۵) با انتخاب گزینشی ۱۸

۱- در روزنامه تجدد، تقی رفعت در مقاله «فمینیسم چیست و فمینیست کیست» برای نخستین بار در سیر مطبوعاتی ایران به تبیین و معرفی اندیشه فمینیسم پرداخت. پس از آن نیز روزنامه نوبهار به معرفی اصلاح «فه می نیست» اشاره کرده است.

مکتوب در مورد مسائل زنان در ۸ جریده گزینش شده دوران مشروطه با نام‌های مجلس، تمدن، صوراسرافیل، حبل‌المتین، بهار، ایران‌نو، دانش و شکوفه به بررسی مسائل زنان و تحلیل بسامد واژگانی آن مکتوبات پرداخته است.^۱ در کتاب مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی، زنان و مسأله حقوق شهروندی/ مطالبات اجتماعی آنان در فاصله سال‌های ۱۲۸۵-۱۲۹۹ شمسی مورد بحث و نظر قرار گرفته است (باغدار دلگشا، ۱۳۹۷). در پژوهش‌های دیگر مانند کتاب هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی (خسروپناه، ۱۳۸۰)؛ مقاله «حقوق شهروندی در عریضه‌های زنان عصر مشروطه» (فصیحی، ۱۳۸۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ با عنوان بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره مشروطه با تأکید بر روزنامه‌های صوراسرافیل، مساوات و ایران‌نو (باغدار دلگشا، ۱۳۹۴)؛ مقاله «مسئله زن در برخی از مدونات چپ از نهضت مشروطیت تا عصر رضاخان» (ناطق، ۱۹۸۳)؛ مقاله «تأملی در تفکر اجتماعی - سیاسی زنان در انقلاب مشروطه» (آفاری، ۱۹۹۲) و کتاب انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه (آفاری، ۱۳۷۷)؛ مقاله «زنان و انقلاب ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۵»

(Bayat, 1978) «Women and Revolution in Iran 1905-1911»

کتاب سفر دانه به گل: سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار (عاملی رضایی، ۱۳۸۹)؛ کتاب جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان - افول

۱ - در آن کتاب دلیل و معیار انتخاب گزینشی ۱۸ مکتوبات و همچنین ۸ نشریه ذکر شده است. همچنین نشریات انتخابی هیچ قرابت مفهومی با یکدیگر ندارند: حبل‌المتین جریده فارسی زبان منتشر شده در هند است، دانش و شکوفه اولین و دومین جریده زن‌نگار در سیر مطبوعاتی ایران‌اند، مجلس ارگان رسمی مجلس دارالشورای ملی است، ایران‌نو بیشتر نشریه‌ای تشکیلاتی و حزبی با گرایش دموکرات است، صوراسرافیل نیز نشریه‌ای مشروطه‌طلب و مستقل بوده، تمدن نیز جریده‌ای مستقل و بهار نیز نشریه‌ای عمدتاً ادبی - اجتماعی است. بسامدهای واژگانی مورد استفاده در کتاب نیز دارای ایرادهای شمارشی می‌باشند.

و سرکوب (ساناساریان، ۱۳۸۴)؛ مقاله‌های «نقش زن بر متن مشروطیت» (نجم‌آبادی، ۱۹۹۶)، «طایره: نامه‌ها و نوشته‌ها و اشعار» (نجم‌آبادی-گردآورنده، ۱۹۹۶) و «دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت» (نجم‌آبادی، ۱۹۹۵) و همچنین کتاب زن در شعر فارسی: دیروز و امروز (یزدانی، ۲۰۱۷)، اشاراتی مختصر به برخی مکتوبات و توجه روزنامه ایران‌نو به مسائل زنان صورت پذیرفته است.

پژوهش پیش‌رو که به روش اسنادی و برشماری کامل تمامی شمارگان روزنامه ایران‌نو گردآوری شده در دو محور اصلی به بررسی مسائل زنان در این جریده پرداخته است: ۱- بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مکتوبات زن‌نگار و ۲- بررسی مسائل اجتماعی زنان در مکتوبات غیرزن‌نگار مندرج در این روزنامه. پرسش‌های اصلی نیز عبارت‌اند از این که زنان در مکتوبات مطالبه‌گرایانه مندرج در این روزنامه بیشتر به طرح چه مطالبه‌ای پرداخته‌اند؟ خودشان را بیشتر در چه نقشی مورد تعریف قرار داده‌اند؟ اوضاع خود را با چه گروهی مقایسه کرده‌اند و نهایت آن که تلاش‌هایشان چه نتیجه‌ای در بر داشته است؟ همچنین مردان نیز در چه سطحی به مسائل زنان در این روزنامه توجه نشان داده و برای ارتقاء حقوق اجتماعی زنان در ایران دوره قاجار بیشتر در تلاش برای طرح چه موضوعی بوده‌اند؟ برای انجام این پژوهش از ساعت‌ها هم‌اندیشی، هم‌فکری و راهنمایی‌های استادام دکتر هما زنجانی‌زاده بهره‌مند شدم؛ استادی که شاگردی‌اش برای من یکی از بزرگترین افتخارات علمی‌ام هست، از او به جان سپاسگزارم. متشکرم از افسانه نجم‌آبادی جهت وقتی که برای مراودات علمی از طریق ایمیل در سال ۱۳۹۴ برایم گذاشت. همچنین از مژگان رضاییان پژوهشگر در کتابخانه مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن جهت در اختیار گذاشتن برخی منابع؛ زهرا برادران کاشانی که خوانش اولیه متن را عهده‌دار شد و دانشجویانم در درس «احزاب و مطبوعات ایران در دوره قاجار» در

دانشگاه فردوسی مشهد که فرصت و الزام انجام این تحقیق را برایم فراهم ساختند.

علی باغدار دلگشا